



## سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن گرامی باد!

در آستانه سالگرد دو واقعه بزرگ تاریخی؛ رستاخیز سیاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ و قیام بهمن در ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ قرار داریم. دو رویدادی که نقشی انکارناپذیر در تاریخ مردم ایران بر جای گذاشتند. با گرامیداشت یاد رزمندگان کمونیست سیاهکل که با رگبار مسلسل‌هایشان در جنگل‌های گیلان، سکوت شب را درهم شکستند و آن توده‌های از جان گذشته‌ای که با قیام خود، شاه جنایتکار (که خود را سایه خدا می‌نامید) را از عرش آسمان به زیر کشیدند، این فرصت را مغتنم می‌شماریم تا در چارچوب تعالیم آن پیشاهنگان کمونیست و تجربیات قیام توده‌های فداکار، در باره برخی از مسائل کنونی جنبش انقلابی، با مردم خود سخن بگوئیم.

در شرایط سلطه ترس و وحشت؛ در شرایطی که هیچ صدائی از کسی بر نمی‌خاست و رژیم مزدور شاه با تحقیر توده‌ها، ایران را "جزیره ثبات و آرامش" می‌نامید، در شرایطی که جدائی غم‌انگیز روشنفکر با توده امری ازلی و ابدی جلوه می‌کرد و بین ضرورت مبارزه توده‌ای با خود مبارزه توده‌ای فاصله افتاده بود، رزمندگان سیاهکل با آغاز مبارزه مسلحانه بن‌بست حاکم بر مبارزات توده‌ها را در هم شکسته و راهی نوین در مقابل جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان قرار دادند. این مبارزه انقلابی در تداوم خویش، توده‌ها را به خود جلب نموده و با اقبال وسیع توده‌ای مواجه شد. به طوری که ما این امر را در شعارهای مردم قیام‌کننده که فریاد می‌زدند "ایران را سراسر سیاهکل می‌کنیم"، به عینه دیدیم و شاهد بودیم که چگونه مبارزات اعتراضی مردم که از راه و روش رزمندگان سیاهکل الهام گرفته بود، سرانجام دیکتاتوری محمدرضا شاهی را به زباله‌دان تاریخ انداخت.

واقعیت این است که رمز شکوفائی و رشدیابندگی و قدرت سیاهکل در این امر نهفته بود که یک تئوری انقلابی راهنمای حرکت‌اش بود. تئوری‌ای که تا آن زمان جنبش انقلابی مردم ما از فقدان‌اش در رنج بود. این تئوری بروشنی نشان می‌داد که در شرایط حاکمیت بورژوازی وابسته به امپریالیسم در ایران شکل حکومتی جز شدیدترین و وحشیانه‌ترین اشکال استبداد نمی‌باشد. استبدادی که اجازه نمی‌دهد مبارزه صرفاً سیاسی از قالب محافل روشنفکری خارج شده و به بسیج و سازماندهی توده‌ها انجامیده و آنها را بسوی رسیدن به خواسته‌هایشان رهنمون سازد. بر اساس این تئوری، که رزمندگان سیاهکل و بعدها صدها چریک فدائی جانشان را وثیقه تحقق آن نمودند، در زیر سلطه دیکتاتوری بورژوازی وابسته هیچ حقی از حقوق کارگران و ستمدیدگان از تعرض قدرت دولتی مصون نیست و تا دیکتاتوری امپریالیستی در ایران حاکم است همواره همه حقوق و مطالبات مردم ما در معرض تعدی آن قرار دارد. از این واقعیت این نتیجه انقلابی اخذ می‌گردد که بدون سرنگونی حاکمیت امپریالیسم امکان تثبیت کمترین حقی در جهت منافع کارگران و زحمتکشان وجود نخواهد داشت. درست همین خط سرخ و این تعالیم انقلابی بود که به چریک‌های فدائی و همه پویندگان راه انقلاب امکان می‌داد که اسیر تبلیغات فریبکارانه دشمن نشده و همه توان و انرژی خود را در جهت نابودی دشمن اصلی کانالیزه نمایند.

این واقعیت که با صراحت در تئوری رزمندگان سیاهکل مطرح شده بود با شکست قیام بهمن و استمرار حاکمیت بورژوازی وابسته که حال جمهوری اسلامی را جهت حفاظت از خود به خدمت گرفته بود، بار دیگر حقانیت خود را به اثبات رساند. علیرغم همه فریبکاری‌ها که توسط بنگاه‌های تبلیغاتی امپریالیستی در مورد خمینی و دارودسته‌اش پیش از قرار گرفتن بر سر قدرت صورت گرفت و علیرغم همه خوش‌بینی‌های نیروهای سیاسی مختلف در مورد ماهیت رژیم جمهوری اسلامی، ما دیدیم که به دلیل عدم قطع نفوذ امپریالیسم در ایران و تداوم سلطه سرمایه داران وابسته، دیکتاتوری عنان گسیخته به شکلی دیگر در ایران تداوم یافت.

توجه به این خط سرخ به خصوص این روزها که رژیم ددمنش جمهوری اسلامی یورش وحشیانه‌ای را به کارگران جهت سرکوب خواسته‌ها و مبارزات آنان سازمان داده و در شرایطی که این رژیم تلاش‌های کارگران شرکت واحد برای سازماندهی تشکل مستقل خود، را آماج حمله گزمنگان خود قرار داده است، بار دیگر با برجستگی در مقابل چشم همگان قرار گرفته است.

دستگیری فعالین سندیکای شرکت واحد و سپس یورش وحشیانه به اعتراض کارگران مبارز این شرکت و ضرب و شتم حتی اعضای خانواده و کودکان آنها نه فقط بار دیگر ابعاد ددمنشی جمهوری اسلامی را به عینه آشکار می‌کند بلکه حقانیت تئوری چریکهای فدائی خلق را یاد آوری کرده و خاطر نشان می‌سازد که تثبیت حقوق برحق این طبقه از جمله حق داشتن تشکل مستقل، کاملاً منوط است به مبارزه در جهت سرنگونی رژیم دیکتاتوری که به مثابه نماینده بورژوازی وابسته انجام وظیفه می‌کند. رژیمی که در همان آغاز قدرت‌گیری‌اش با یورش سازمان‌یافته خود، تشکل‌های خودجوش طبقه کارگر را در هم شکست چگونه ممکن است حال در شرایط سلطه بلامنازع‌اش به اصلی‌ترین دشمن طبقاتی خود اجازه تشکل داده و حق فعالیت آنها را برسمیت بشناسد. تشکل مستقل حق طبیعی کارگران است اما تحقق این خواست به نابودی طبقه حاکمه و رژیم مدافع آن وابسته است. این، آموزشی است که رزمندگان سیاهکل آن را رهنمون فعالیت خود قرار داده بودند و مردم ما با شکست قیام بهمن و استقرار جمهوری اسلامی در طول همه سال‌های سیاه سلطه این رژیم حقانیت آن را به عینه تجربه کرده‌اند.

ما ضمن پشتیبانی قاطع از مبارزات کارگران برای تحقق خواست‌های خود و از جمله تشکیل تشکل مستقل، معتقدیم که این مبارزات باید در جهت یک انقلاب اجتماعی برای نابودی سلطه امپریالیسم به طور کلی و رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی بطور اخص سازماندهی شود.

گرامی باد خاطره فرموش نشدنی رزمندگان سیاهکل و توده‌های قیام‌کننده در بهمن ۱۵۷!  
نابود باد رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی!  
پیروز باد انقلاب!  
زنده باد کمونیسم!

با ایمان به پیروزی راهمان  
چریکهای فدائی خلق ایران  
۱۵ بهمن ۱۳۸۴